



مبانی، اصول و روش‌های تربیت در دوره پیش از دبستان

مراحل تعلیم و تربیت

کودک از روزی که به دنیا می‌آید تا زمانی که به درجه رشد و کمال می‌رسد و تا آن گاه که می‌میرد، از مراحل گوناگون به هم پیوسته‌ای می‌گذرد که هر یک تربیت ویژه‌ای می‌طلبد؛ بدین جهت، باید تعلیم و تربیت براساس این مراحل برنامه‌ریزی شود. چنان که از قدیم‌الایام در آموزش و پرورش قدیم و جدید اندیشمندان تعلیم و تربیت به این مراحل توجه داشته‌اند و مراحل تعلیم و تربیت و ویژگی‌ها و مقتضای هر مرحله را براساس نگرش و رویکرد فکری خود بیان کرده‌اند (دبس، ۱۳۶۸). مسئله مراحل در امر تربیت، از حیث مبنا، به وسع آدمی و فراز و نشیب‌های آن برمی‌گردد. اگر در تربیت مراحل وجود نداشته باشند، اهداف و اصول و روش‌های تربیتی همه متوقف می‌شوند و نظام تربیتی ناتمام و ناتوان می‌ماند. آنچه راه ما را در دست یافتن به اهداف تربیتی هموار می‌کند و نشان می‌دهد که از هر اصل و روش

مبانی تربیت از هستی جهان و انسان و نیز از جایگاه و موقعیت شایسته آدمی در هستی و نیز از قوانین، سنت‌ها، ضرورت‌ها و شرایطی بحث می‌کند که حیات انسان و نحوه تحول آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند یا تصویری از واقعیات تربیتی و نحوه تغییر و تحول در آن ارائه می‌کنند. بر این اساس، انواع گزاره‌های تجویزی درباره تربیت شکل می‌گیرد و قابل تأیید و اجرا می‌شوند (سند تحول، ۱۳۸۹). تعلیم و تربیت در پرتو اصولی فراگیر و با اهمیت صورت می‌پذیرد (فتحعلی خانی و همکاران، ج ۱، ۱۳۹۱: ۲۸۳). تأثیر و حضور اصول در تعلیم و تربیت، حتی از مبانی هم ملموس‌تر است و بدون فهم و دریافت درست اصول، در تربیت نمی‌توان ره به جایی برد (رفیعی، ج ۳، ۱۳۹۰: ۱۳۰). این اصول از طریق روش‌هایی جامه عمل می‌پوشد (فتحعلی خانی و همکاران، ج ۱، ۱۳۹۱: ۲۸۳). روش‌های تعلیم و تربیت، فنون و تدابیری است که از طریق به کار بستن آن‌ها وضعیت مطلوب به وجود می‌آید (بهشتی، ج ۴، ۱۳۸۸: ۵۶). در این تحقیق، با توجه به اهمیت دوره پیش از دبستان به عنوان دوره تمهید و آماده‌سازی کودک برای مراحل بعدی تربیت، اصول و مبانی و روش‌های تربیت در این دوره بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مبانی، اصول، روش‌ها، تربیت، پیش از دبستان

تربیتی در کجا باید استفاده شود، همان مراحل تربیت است. اگر زمانی که می‌خواهیم برای تربیت مرحله‌ای را مشخص کنیم، از خود پرسیم آخرین مرحله تربیت کجاست، باید ابتدا به این سؤال پاسخ بدهیم که مراد ما از تربیت چیست. اگر مراد از تربیت، ربوبی شدن (از «ر ب ب» و ربوبی ساختن آدمی باشد، دوره طفولیت، بیرون از متن اصلی تربیت و به منزله دوره تمهید برای ورود در آن قرار می‌گیرد. از طرفی دامنه و حد مراحل تربیت، گستره زندگی فرد را در برمی‌گیرد و چنان نیست که پایان مرحله‌ای از زندگی، پایان امر تربیت باشد. حضرت امام رضا(ع) می‌فرمایند: «ایمان، یک درجه از اسلام برتر، تقوا، یک درجه از ایمان برتر و یقین، یک درجه از تقوا برتر است. یقین به مقیاس کمتری بین مردم تقسیم شده است». با توجه به این روایت، در مسیر ربوبی شدن و ربوبی ساختن آدمی چهار مرحله مشخص وجود دارد: مرحله اول: اسلام؛ مرحله دوم: ایمان؛ مرحله سوم: تقوا؛ مرحله چهارم: یقین. با افزودن مرحله تمهید (که ناظر به قبل از مرحله اسلام است)، در نهایت، پنج مرحله خواهیم داشت. ویژگی اساسی مرحله اول تمهید (تولد تا هفت سالگی)، از حیث تربیتی، رها گذاشتن کودک است که حاصل آن، بازی است؛ چنان‌که در روایات آمده است: «فرزندت را واگذار تا به مدت هفت سال بازی کند». اهمیت تربیتی بازی بسیار چشمگیر و بی‌نظیر است؛ زیرا نه تنها زمینه نضج فیزیکی و کنترل بدنی کودک را فراهم می‌کند بلکه در تکوین ساختمان شخصیت کودک و تحول اجتماعی وی نیز نقش اساسی دارد. اختصاص دادن عنوان بازی به این مرحله از تربیت، دلیل بر این نیست که از تأدیب در این مرحله اثری نباشد؛ برای تربیت کودک در این مرحله مبانی، اصول و روش‌های خاصی ارائه شده است.

۱. مبانی، اصول و روش‌های تربیتی در دوره پیش از دبستان

این دوره از تربیت کودک، هفت مبنا، هشت اصل و شانزده روش تربیتی را در برمی‌گیرد.

مبانی تربیت در دوره پیش از دبستان

- ۱ مبانی تأثیر ظاهر بر باطن
- ۲ مبانی تأثیر شرایط بر انسان

- ۳ مبانی مقاومت و تأثیرگذاری بر شرایط
- ۴ مبانی جذبۀ حسن و احسان
- ۵ مبانی کرامت
- ۶ مبانی آشنایی و بیگانگی با خدا
- ۷ مبانی دل‌بستگی، آزمندی و شتاب

اصول تربیتی در دوره پیش از دبستان

- ۱ اصل تغییر ظاهر
- ۲ اصل اصلاح شرایط
- ۳ اصل مسئولیت
- ۴ اصل آراستگی
- ۵ اصل فضل
- ۶ اصل عزت
- ۷ اصل تذکر
- ۸ اصل ابراز یا منع محبت

روش‌های تربیتی در دوره پیش از دبستان

- ۱ روش تربیتی تلقین به نفس^۱
- ۲ روش زمینه‌سازی
- ۳ روش تغییر موقعیت
- ۴ روش اسوه‌سازی
- ۵ روش مواجهه با نتایج اعمال
- ۶ روش آراستن ظاهر
- ۷ روش تزیین کلام
- ۸ روش مبالغه در عفو
- ۹ روش توبه
- ۱۰ روش تبشیر
- ۱۱ روش مبالغه در پاداش
- ۱۲ روش ابراز توانایی
- ۱۳ روش تغافل
- ۱۴ روش موعظه حسنه
- ۱۵ روش بیان مهر و قهر
- ۱۶ روش عطا و حرمان

کودک از روزی که به دنیا می‌آید تا زمانی که به درجه رشد و کمال می‌رسد و تا آن‌گاه که می‌میرد، از مراحل گوناگون به هم پیوسته‌ای می‌گذرد که هر یک تربیت ویژه‌ای می‌طلبد

۱. مبانی تأثیر ظاهر بر باطن؛ اصل تغییر ظاهر و روش تربیتی تلقین به نفس

اصل تغییر ظاهر و تلقین به نفس یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی دوره تمهید، یعنی اولین مرحله تربیت، است؛ زیرا شاکله و خلق‌های درونی، از طریق گفتارهایی که از وی سر می‌زند تشکیل خواهد شد. طبق اصل تغییر ظاهر، باید ظواهر کودک را به سمت گفتارها و رفتارهای مطلوب سوق داد. مقصود از این مطلب، تنها به بند کشیدن کودک نیست. تغییر ظاهر، هم شامل «مهار زدن» است و هم شامل «مهار گسیختن». برای مثال، اگر کودکی از جنب و جوش و بازی طفره می‌رود و گوشه‌گیر است، تغییر ظاهر برای او بدل کردن بی‌حرکی

فعلی با هم قرین شود، تأثیر آفرینی آن مضاعف خواهد بود. درباره رفتارهای مختلف می‌توان چنین تقارن و تقابلی را فراهم آورد (باقری، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۵۱-۲۴۰).

برخی از صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان، تلقین را موضوعی از آموزش و پرورش می‌دانند (اتکینسون، ۱۹۰۹) و معتقدند که در هر چیزی که فراگیرنده می‌آموزد، تلقین و تکرار وجود دارد (اریکسون، ۲۰۰۵) و به منظور شکل‌گیری صحیح شخصیت فراگیر باید تلقین‌های صحیح در محیط زیست و تجربه وی گنجانده شوند (اتکینسون، ۱۹۰۹). تلقین نباید فقط ماهیت کلامی داشته باشد. آن‌ها می‌توانند در هر سطح حسی رخ دهند و به‌صورت کلامی یا رفتاری باشند (اریکسون، ۲۰۰۵).

۲. مبنای تأثیر شرایط بر انسان؛ اصل اصلاح شرایط و روش‌های تربیتی زمینه‌سازی، تغییر موقعیت و اسوه‌سازی

طبق این اصل، باید به جای تمرکز بر خود کودک و رفتارهای او، نظر را به پیرامون او معطوف ساخت و روابط او را با محیط و عوامل محیطی تغییر داد.

● روش زمینه‌سازی

زمینه‌سازی دو وجه دارد: یکی ناظر به فراهم آوردن شرایط اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می‌برد و دیگری ناظر به جلوگیری از شرایط اولیه‌ای که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش می‌دهد.

● روش تغییر موقعیت

در این روش، نظر بر آن است که روابط فرد با موقعیت‌های مکانی دچار تغییر شود تا در معرض اندیشه‌ها، افکار و حالات خاصی قرار گیرد. دامن گسترده طبیعت، با دشت‌ها، کوه‌ها، نهرها، گلزارها و... در هر فراز و فرودی سخن‌ها و الهام‌هایی دارد (باقری، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

● روش اسوه‌سازی

کارآمدترین و عملی‌ترین و پیروزمندانه‌ترین روش تربیت، پروردن با نمونه‌ای عملی و اسوه یا الگویی روشن است؛ زیرا الگوسازی بر جان و دل متربیان می‌نشیند و شخصیت آنان از این راه ساخته می‌شود. کودک در سال‌های نخستین زندگی، از والدین، اطرافیان، همبازی‌ها، هم‌نشینیان، معلمان و مربیان الگو می‌گیرد (بهشتی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۳۷). اسوه و اسوه عبارت از حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خود پیدا می‌کند و برحسب اینکه پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه‌ای نیک یا بد برای انسان فراهم آید. در این روش، مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید کودک قرار دهد و بدین گونه، موقعیت اجتماعی او را دگرگون نماید تا او به پیروی پردازد و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه، در خویش پدید آورد.



به تحرک و فعالیت است و این نوعی مهارزدایی است. اما در عین حال، به مهار درآوردن ظواهر نامطلوب نیز بخشی از کار تغییر ظاهر می‌باشد. روش تلقین به نفس یکی از روش‌هایی است که می‌توان برای تغییر کودک از آن بهره برد. برای به‌کارگیری این روش باید پنج اصل، شامل اصل احساس، تفکر، باور تلقینات، تکرار و نگهداری و سه روش تلقین قولی، تلقین فعلی و تلقین قولی - فعلی را، که هر کدام هم جنبه سلب و هم ایجاب دارد، به‌کار گرفت. در روش قولی باید به کودک بیاموزیم سخنانی را بر زبان جاری کند و از این طریق در معرض حالات مطلوب درونی قرار گیرد. در این مرحله، تلقین کودک به خود در پی تلقین دیگران به وی پدیدار می‌شود؛ مانند دختر خوب من با دوستانش مهربان است؛ پسر خوب من به دیگران احترام می‌گذارد یا بسیار مرتب و منظم است. ممکن است کودک در ابتدا در برابر این جملات مقاومت نشان دهد اما به مرور زمان آن‌ها را می‌پذیرد و اجرا می‌کند. همچنین، باید به تلقین‌های منفی کودک مهار زد؛ تلقیناتی مثل من خواهر یا برادرم را دوست ندارم! من نمی‌توانم یاد بگیرم! تلقین نباید اغراق‌آمیز و بسیار دور از واقع باشد. تلقین فعلی آن است که کودک را در معرض انجام عملی قرار دهیم تا از این طریق، حالات درونی مطلوبی در او به وجود آید. برای مثال، اگر پولی را به کودک بدهیم و بگوییم آن را به فقیر بدهد، با این عمل، انگیزه و کشش کمک به دیگران در درون وی پدیدار می‌شود. هرگاه تلقین قولی و

کارآمدترین و عملی‌ترین و پیروزمندانه‌ترین روش تربیت، پروردن با نمونه‌ای عملی و اسوه یا الگویی روشن است

۳. مبنای مقاومت و تأثیرگذاری بر

شرایط: اصل مسئولیت و روش

تربیتی مواجهه با نتایج اعمال

این مبنا، جلوه بارز اختیار انسان است. براساس این مبنا و اصل مسئولیت، انسان می‌تواند از تأثیرپذیری در رابطه به موقعیت و عوامل محیطی طفره رود و حتی منشأ تأثیرگذاری و جهت‌دهی قرار گیرد. در این روش، امر و نهی جای ندارد و پشتوانه این روش، حب ذات آدمی است. بر این اساس، باید به نشان دادن پیامدهای عمل فرد اکتفا کرد. مواجهه فرد با نتایج اعمالش در دو رتبه است: یکی در رتبه «دریافتن» و دیگری در رتبه «دیدن». در رتبه نخست، ما فرد را از پیامدها آگاه می‌کنیم و در رتبه دیگر، او را می‌گذاریم تا با نتایج اعمال، روبه‌رو شود. دومی کارآمدتر و قدرت متقاعدکننده نتایج در آن چشمگیرتر است (باقری، ۱۳۸۸: ۱۵۱-۱۴۳).

۴. مبنای جذبه حُسن و احسان: اصل

آراستگی (روش‌های تربیتی آراستن

ظاهر و تزئین کلام) و اصل فضل

(روش‌های تربیتی مبالغه در عفو،

توبه، تبشیر و مبالغه در پاداش)

اصل آراستگی ناظر به جذبه حُسن و اصل فضل ناظر به جذبه احسان است. اصل آراستگی بیانگر آن است که در جریان تربیت، باید صورت آنچه را عرضه می‌شود، نیک آراست تا رغبت‌ها نیز برانگیخته شود.

● روش آراستن ظاهر

مربی در برقرار کردن ارتباط تربیتی باید به آراستگی ظاهر بپردازد تا از عوامل ظاهری نفرت و گریز نیز تهی باشد. آراستگی لزوماً مرادف اشراق‌منشی نیست بلکه با سادگی نیز می‌توان آراسته بود. در توصیه به مسلمانان نیز همواره با اصرار گفته شده که مستحب است در دیدار با برادران و هم‌کیشان، بهترین و نظیف‌ترین لباس‌ها را به تن کنند و با آراستگی ظاهر شوند. این توصیه‌ها عمومی است اما مربیان را به‌طور مضاعف مورد خطاب قرار داده است. آراستگی ظاهر در مورد خود کودک نیز صادق است. ظاهر آراسته آدمی، صفا و آراستگی باطنی را در پی می‌آورد.

● روش تزئین کلام

کلام آیینۀ مفاهیم و معانی است. این آیینۀ هرچه مصفا تر باشد به همان میزان بر شفافیت و نفوذ مفاهیم و معانی خواهد افزود. از این‌رو، لازم است مربی بنگرد که معانی و مفاهیم مورد نظر را در برابر چه آیینۀ‌ای قرار می‌دهد. کژ و کدر سخن گفتن در حکم پامال ساختن معانی است. مربی نباید در عرضه معانی خویش، هر واژه‌ای را که زودتر از واژه‌های دیگر به ذهنش دوید به کار گیرد بلکه باید در پی خلق تعبیرهای بلند باشد. گاه تعبیری، به تنهایی، به وزن کتابی سخن دارد و اثرش در آدمی پایدار و پردوام است.

● روش مبالغه در عفو

اصل فضل (و رحمت) مانع آن است که فرد، به محض ارتکاب اولین خطا مورد مؤاخذه و مجازات قرار گیرد بلکه به موجب آن لازم است مربی ابتدا به عفو کند و حتی در این عفو مبالغه ورزد. ابتدا کردن به عفو بدین معناست که مربی خود اقدام به عفو کند، نه اینکه عفو او در برابر اعتذار (عذرخواهی) کودک باشد. براساس این اصل، مربی در مجازات شتاب نمی‌ورزد و فرد را او می‌گذارد تا فرصت‌های لازم را برای اصلاح خود پیدا کند.

● روش توبه

«توبه» به معنای بازگشت است و صرفاً به معنای بازگشت از گناه نیست. از این‌رو، توبه اختصاص به انسان ندارد بلکه خداوند نیز در مقام تربیت انسان، دارای توبه است و این «توبه» به مثابه یک روش تربیتی است. از آیات قرآن فهمیده می‌شود که خداوند دو توبه دارد: توبه اول «توبه هدایت و توفیق» است و توبه دوم، باز بودن همیشگی باب توبه است. به مقتضای روش توبه، باید برخورد مربی با فرد خطاکار، نمودار رحمت باشد. این روش ایجاب می‌کند که مربی، خود به استقبال خطاکار برود (توبه اول) و به او که پشت کرده است، رو کند. مربی نباید به محض دیدن خطا در فرد، او را از خویش براند بلکه باید احتمال دهد که او حتی متوجه خطای خویش نیز نبوده باشد. کسانی که با دیدن خطا به تنبیه می‌پردازند، گاه فرد را به سبب چیزی تنبیه می‌کنند که تنها خودشان از آن مطلع‌اند. چنین برخوردی بار تربیتی ندارد؛ زیرا در فرد حالت بازگشت درونی ایجاد نمی‌کند. طبق روش توبه، نخست باید به استقبال خطاکار رفت و او را متوجه خطایش کرد و جهات مختلف و آثار و تبعات آن را روشن ساخت؛ به نحوی که مایه بازگشت از خطا در وجود او ریشه بدواند و چنین است که توبه مربی، توبه‌ساز است.

● روش تبشیر

تربیت مستلزم دادن تکالیف است و این امر فی نفسه، زایل‌کننده رغبت می‌باشد. این تلخی را باید به طریقی کاست تا قبول تکالیف میسرتر شود. یکی از روش‌هایی که به این کار می‌آید، روش تبشیر است و تبشیر به معنای بشارت دادن به عطایایی است که پس از به دوش گرفتن تکالیف به فرد ارزانی خواهد شد و مظهری از

باید به جای تمرکز بر خود کودک و رفتارهای او، نظر را به پیرامون او معطوف ساخت و روابط او را با محیط و عوامل محیطی تغییر داد

فضل و رحمت است. تبشیر و تشویق، به رغم آنکه ظاهراً با هم مشتبه می‌شوند، متفاوت‌اند. تبشیر پیش از عمل یا همراه عمل و تشویق پس از عمل ظهور می‌کند. از این‌رو تبشیر، ناظر به آینده و تشویق متوجه گذشته است. در مقایسه، تشویق سریع‌التأثیرتر از تبشیر است اما از سوی دیگر، کسی که پذیرش تبشیر را دارد از پختگی ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا حرکت کردن با تبشیر مستلزم نوعی کف نفس و آینده‌بینی است؛ لذا هرگاه فرد در سنین پایین باشد، باید دامنه تبشیر برای او کوتاه‌تر در نظر گرفته شود.

● روش مبالغه در پاداش

اصل فضل (و رحمت) ایجاب می‌کند که اگر از کودک عمل مطلوبی (هرچند ناچیز) سر زند، مربی آن را بی‌پاسخ نگذارد بلکه باید گفت به اقتضای این اصل لازم است که پاداش از حد عدالت در گذرد و مظهر «فضل» و «رحمت» باشد. براساس این روش، برای پاداش دادن به فردی که تن به کوشش و تلاش داده و سعی خود را ابراز کرده است، باید براساس فضل رفتار کرد و بهترین اعمال او را معیار قضاوت و پاداش قرار داد و ضعف‌ها و کمبودهای جانبی را نادیده گرفت. پاداش به چنین فردی، می‌تواند از مرز عدالت در گذرد و مربی به صلاح‌دید خویش می‌تواند او را بیش از حد استحقاقش مورد لطف قرار دهد. چنین بلندنظری‌ای در جزا و پاداش، کودک را با شوق و انگیزه‌های مضاعف به حرکت وادار می‌دارد (همان: ۱۷۲-۱۶۰).

۵. مبنای کرامت: اصل عزت و

روش‌های تربیتی ابراز توانایی و تغافل

عزت در فرهنگ لغت عمید به معنای عزیز شدن، گرمی شدن و ارجمند شدن آمده است (عمید، ۱۳۷۹: ۹۱۰). مقصود از این اصل و مبنا این است که باید انسان مکرم را عزیز داشت و مایه‌های عزت نفس او را فراهم آورد.

● روش ابراز توانایی

هرگاه انسان خود را توانا ببیند و دریابد که کاری از دستش برمی‌آید، احساس سربلندی و عزت خواهد کرد و هرگاه خویشستن را ناتوان بیاید و ببیند که کاری از او ساخته نیست، احساس سرافکندگی و ذلت خواهد داشت. پس، لازم است

امکان بروز توانایی‌های کودک را فراهم آوریم تا باور کند کارهایی از او ساخته است و میان آن کس که کاری از او بر نمی‌آید و آنکه کارآمد و تواناست، تفاوت از زمین تا آسمان است (باقری، ج ۱، ۱۳۸۸: ۱۹۵-۱۹۴).

● روش تغافل

تغافل در لغت به معنای خود را غافل وانمود کردن، چشم‌پوشی کردن و نادیده انگاشتن و اظهار بی‌خبری کردن آمده است (عمید، ۱۳۷۹: ۴۴۴). در این روش، توجه معطوف به ضعف‌های مرتبی است. بروز ضعف‌ها شکستن عزت را در پی می‌آورد. پس اختفای آن‌ها طریقه‌ای برای حفظ عزت است؛ اختفا پیش از مسلم شدن ضعف‌ها (اصل صحت) و یا پس از آن. تغافل به این معناست که ما از امری، به واقع، مطلع شویم و تظاهر به غفلت کنیم. آنگاه که راه‌های توجیه مربی سد شد و برای او یقین حاصل آمد که کودک خطا کرده است، زمان تغافل فرا می‌رسد. در این هنگام، عزت کودک باید با تغافل از خطای او حفظ شود. خطرناک‌ترین لحظه در امر تربیت، لحظه‌ای است که کودک خود را از فرو پوشیدن خطای خویش بی‌نیاز ببیند و از برملا کردن آن ابایی نداشته باشد. آنچه فرد را به پرهیز از خطا موفق می‌سازد، احساس عزت است. تغافل، علاوه بر آنکه نشانه بلاهت و سادگی مربی نیست، مایه بزرگواری او نیز هست (باقری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۰۰-۱۹۷). در توصیه‌ها و روایات، مکرراً بر پاس داشتن احساس عزت کودک و ممانعت از بروز ضعف و کاستی و حقارت وی تأکید شده است. برای نمونه، در روایتی آمده است: «کودک را به نامی نیکو نام‌گذاری کنید و هنگامی که به مجلس شما می‌آید، برای او جا باز کنید و به او روی ترش نکنید» (همان: ۲۵۴).

۶. مبنای آشنایی و بیگانگی و با خدا؛ اصل تذکر و

روش تربیتی موعظه حسنه

موعظه حسنه از روش‌های پذیرفته شده در تعلیم و تربیت اسلامی است. موعظه، گفتار سنجیده و به موقعی است که به منظور آگاهی دادن و دعوت به خیر و صواب از دل برخیزد و از سر اعتقاد و خیرخواهی و شفقّت به نرمی بیان شود. آدمی برای اینکه زندگی انسانی داشته باشد، نیازمند آگاهی‌ها و ارشادهای بسیار است و از آنجا که در معرض غفلت و خودخواهی است، بسیاری از واقعیات بر او پوشیده می‌ماند و چون بدون آگاهی اقدام به عمل می‌کند، در نهایت پشیمان می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۴۳).

نسیان در کودکی، فراوان‌تر از هر وقت دیگری رخ می‌دهد و لذا تذکر و یادآوری مکرر درخواست‌ها به کودک ضرورت می‌یابد. اگر کودک بارها آنچه را گفته شده فراموش کند نباید بی‌طاقت شد؛ زیرا مربی در یک نگاه، تنها «مذکر» است و تذکر کار اصلی اوست. این روش باید به‌صورت یادآوری نعمت‌ها و به‌خصوص عبرت‌آموزی از طریق قصه‌گویی به کار گرفته شود. در این باب هم قصه‌های قرآن و قصه‌های تاریخی و هم قصه‌های خیالی، هر دو مورد توجه‌اند.

خطرناک‌ترین لحظه در امر تربیت، لحظه‌ای است که کودک خود را از فرو پوشیدن خطای خویش بی‌نیاز ببیند و از برملا کردن آن ابایی نداشته باشد

۷. مبنای دلبستگی، آزمندی و شتاب؛ اصل ابراز یا منع محبت و روش‌های تربیتی بیان مهر و قهر و عطا و حرمان

● روش بیان مهر و قهر

انسان از انس اشتقاق یافته و به انس و محبت بسیار نیازمند است؛ زیرا نه تنها نیاز طبیعی او تأمین می‌گردد، بلکه مهم‌ترین عامل سلامت روح او نیز به شمار می‌آید و فقدان آن موجب ناهنجاری‌های روانی است. بنابراین، تعلیم و تربیت مبتنی بر اصل محبت سازنده و موفق و تأثیرگذار خواهد بود (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۴: ۵۴). اصل محبت در شکل ابراز و منع، در هفت سال اول بسیار مورد تأکید است و روش‌های مترتب بر آن همواره توصیه شده است؛ به نحوی که قهر به عنوان مهم‌ترین روش تنبیهی در کودکی شمرده شده و استفاده از آن به جای تنبیه بدنی سفارش شده است. آمده است که امام علی (ع) به یکی از اصحاب فرمود که در مقام تنبیه فرزندش از او قهر کند و زمان آن را نیز کوتاه در نظر بگیرد (باقری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۵۵).

● روش عطا و حرمان

این روش، محبت یا عدم محبت را در کسوت کردار نمودار می‌سازد. در قالب بیان، زبان کردار نیز خود منطقی دارد و نفوذ ویژه‌ای در پی می‌آورد که آن را در گفتار نمی‌توان جست. از آنجا که کردار دلیل صدق گفتار است، این دو شیوه در کنار هم و مکمل یکدیگرند. ابراز محبت هنگامی که جامه عمل بپوشد، به صورت اعطای هدیه و هبه به کسی و منع محبت، به طریق محروم ساختن او از آنچه به وی ارزانی شده بود، نمودار می‌شود (همان: ۲۳۵-۲۳۴). بیان مهر و آشکار ساختن محبت بارها توصیه شده است. در باب هبه و هدیه نیز پیامبر (ص) توصیه فرموده است که پدران تحفه‌هایی برای فرزندان خود بخرند و هنگامی که به خانه داخل شدند، دختر بچه خویش را در دادن هدیه مقدم دارند و به هر حال، خردسالان خویش را اعم از دختر و پسر، مسرور دارند و محبت خویش را این چنین ابراز کنند (همان: ۲۵۵).

آنچه در این بحث به منزله مبنای تربیت در نظر گرفته شد، ویژگی‌های عمومی انسان است. همچنین، اصول بیان شده بر مبنای تکیه دارند



و روش‌ها نیز بر اصول مبتنی هستند. هر اصل تربیتی، به منزله معیار یا قاعده‌ای کلی است که با در دست داشتن آن می‌توان در مواجهه با شرایط تازه‌تر و پیچیده‌تر، با نظر به اقتضای معیار مذکور، به ابداع روش‌های تربیتی مناسب اقدام کرد (همان: ۸۹-۸۸).

پی‌نوشت‌ها

1. Autosuggestion
2. divestive
3. necessitative
4. Atkinson
5. erickson

منابع

۱. باقری، خسرو. (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد یک)، چاپ بیستم، تهران: انتشارات مدرسه.
۲. بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی؛ فقیهی، علی نقی؛ اعرافی، علیرضا. (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن (جلد دوم)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ناشر همکار (سمت).
۳. بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی؛ فقیهی، علی نقی؛ اعرافی، علیرضا. (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن (جلد چهارم)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ناشر همکار سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۴. حاجی بابایی، حمیدرضا؛ مخبر دزفولی، محمدرضا؛ اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۰). سنده تحول بنیادین آموزش و پرورش، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش.
۵. دبس، موریس؛ کاردان، علی محمد. (۱۳۶۸). مراحل تربیت، تهران: دانشگاه تهران.
۶. رفیعی، بهروز؛ اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۰). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن (جلد سوم)، امام محمد غزالی، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ناشر همکار سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۷. عمید، حسن (۱۲۷۹). فرهنگ فارسی عمید، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. فتحعلی خانی، محمد؛ فصیحی‌زاده، علیرضا؛ فقیهی، علی نقی؛ اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۱). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن (جلد اول)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ناشر همکار سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
9. Atkinson, William walker (1909). suggestion and autouggestion, Chicago, il: the progress company. p (41).
10. erickson, milton. h; hershman, seymour; sector, irving. h (2005). the practical application of medical and dental hypnosis, OTC Publishing Corp. p (18)